

ارزیابی کاربست قوانین معاملات اسلامی در نظام قراردادهای بازار سرمایه ایران

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۴

علی اصغر سعیدی^۱

علی اصغر حیدری^۲

چکیده

مهم‌ترین هدف این پژوهش مطالعه درباره به‌کارگیری قواعد معاملات اسلامی در قراردادهای بازار سرمایه ایران توسط کنشگران (کلیه افراد حقیقی و حقوقی که در بورس اوراق بهادار فعالیت اقتصادی دارند) بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این راستا، بر اساس چهار نظریه از قواعد معاملات اسلامی تحت عناوین قواعد لاضرر، اکل مال به باطل، غرر و ربا و فروض اساسی اسلامی در معاملات کنشگران بازار سرمایه مورد آزمون قرار گرفت. در تحلیل داده‌ها از روش آزمون مکرر استفاده شده و نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه، سرمایه‌گذاران و آگاهی سرمایه‌گذاران از این چهار قاعده، هیچ رابطه معناداری وجود ندارد. از مصاحبه‌های مکمل نیمه ساختاریافته نیز چنین استنباط می‌گردد که هنگامی که کمیته فقهی مجربی بر معاملات بازار سرمایه سرمایه‌گذاران نظارت می‌کند کنشگران ساختار معاملات را اسلامی و شرعی مفروض پنداشته، مستقیماً به اسلامی بودن یا نبودن آن توجهی نمی‌کنند.

واژگان کلیدی: بازار سرمایه، کمیته فقهی، معاملات اسلامی، قواعد چهارگانه اسلامی

۱. عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران saeidi@ut.ac.ir

۲. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد مدیریت مالی، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

مقدمه

در میان تمامی فرقه‌های اسلامی، رعایت چهار قاعده اسلامی در معاملات امری واجب و در میان رهبران و صاحب‌نظران همنظری کامل وجود دارد. فلسفه اصلی پیروری از این اصول چهارگانه ایجاد بستری عادلانه در معامله است. اما چگونگی به‌کارگیری دقیق این قواعد همواره موضوع بحث بوده است. اگرچه در مورد ضرورت و رعایت به‌کارگیری این قواعد در قرارداد-های بازار سرمایه ایران، تردیدی وجود ندارد، اما توجه کنشگران فردی به این قواعد نیز جداً از نظارت کمیته فقهی بر بازار موضوعی مهم است که نشان می‌دهد تا چه حد عاملیت نیز می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در ساختار نهایی معاملات داشته باشد. در سال‌های اخیر، با افزایش چشمگیر کنشگران بازار سرمایه در ایران اسلامی و گسترش نوعی آگاهی اسلامی در کل، این ضرورت به‌وجود آمده است تا رابطه بین نظریه (آگاهی نسبی اسلامی مردم) و عمل به قواعد اسلامی مورد تحقیق و آزمون قرار گیرد. به عبارت دیگر، این سؤال مطرح می‌گردد که آیا آگاهی و توجه همگان به قواعد معاملات اسلامی، به‌طور آگاهانه، در کنش معامله‌گران در عمل نیز مورد نظر قرار می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۷).

تاریخ تحولات اقتصادی کشورهای اسلامی، به‌ویژه ایران، نشان می‌دهد، شرط نخست موفقیت بلند مدت مؤسسات و نهادهای اقتصادی در سازگاری آنها با اعتقادات و فرهنگ اسلامی مسلمانان نهفته است. طی صد سال گذشته، نهادها، روش‌ها و ابزارهای مختلف مالی از مغرب زمین وارد کشورهای اسلامی شده و خیلی از آنها برای زمانی کوتاه درخشش خوبی نیز داشته‌اند. اما بعد از روشن شدن ماهیت آنها، تنها آن گروه که با باورها و فرهنگ دینی مردم سازگار بودند، ماندگار شده‌اند و بقیه دچار چالش شده و به ضعف گراییده‌اند. موضوع ابزارهای مالی نیز از این قاعده کلی مستثنی نیست. عدم مجال حضور و یا عدم گسترش برخی ابزارهای مالی (اوراق قرضه، سهام ممتاز با سود ثابت جمع شونده، سهام ممتاز مشارکتی جمع شونده، سهام ممتاز با نرخ سود شناور جمع شونده، سهام ممتاز با نرخ سود شناور غیر جمع شونده و...) در بازارهای مالی اسلامی، از جمله ایران، به دلیل عدم پیروی از ضوابط عمومی چهارگانه قراردادهای بازار سرمایه (که در ادامه گفته خواهد شد) و عدم تطابق با آموزه‌های اسلام و باورها و فرهنگ دینی مردم، خود شاهد گویای این ادعاست (موسویان، ۱۳۸۷: ۴۱).

بورس اوراق بهادار، به عنوان مهم‌ترین نماد متشکل بازار سرمایه هر کشور، پس‌اندازهای ریز و درشت، کوتاه مدت و بلند مدت جامعه را جذب کرده و به‌سوی طرح‌های مولد اقتصادی

هدایت می‌کند. حال از آنجا که مبدأ چنین نگرشی کشورهای غربی بوده است، لذا بر اساس مبانی ارزشی و حقوقی آنان می‌باشد که در مواردی با مبانی ارزشی و حقوقی اسلام سازگار نیست (موسویان، ۱۳۸۷: ۳۱).

هدف این مقاله پاسخگویی به این مسئله است که معامله‌گران تالار بورس اوراق بهادار (معامله‌گران حقیقی) به چه میزان از ضوابط عمومی چهارگانه حاکم بر قراردادهای بازار سرمایه آگاهی دارند و متعاقباً این آگاهی خود را به چه میزان در فرایند داد و ستدهایشان دخیل می‌کنند.

بیان مسئله

شریعت مقدس اسلام هر قرارداد عقلایی که نهی خاص یا عام نداشته باشد را تأیید و امضا کرده است و آن را لازم‌الوفا می‌داند. شارع مقدس در برخورد با معاملات عرف و عقلا، روش اصلاحی را پیش گرفته است، نسبت به گروهی از معاملات که اساساً مضرّ می‌باشد مانند قمار، با فرض اینکه از نظر عقلا معامله باشد، را حرام و باطل می‌شمارد و نسبت به گروهی دیگر با پذیرش اصل معامله چون بیع و قرض شرایطی را لحاظ می‌کند. برای مثال اعلان می‌کند که بیع و قرض باید خالی از ربا باشند (موسویان، ۱۳۸۷: ۷۷).

دین اسلام برای تنظیم روابط عقلایی و رعایت عدالت و استحقاق حقوق فرد و جامعه و برای جلوگیری از منازعات آتی، آن دسته از معاملات و قراردادها که (اکل مال به باطل)، (ضرری)، (غرری) و (ربوی) هستند را ممنوع کرده است. بنابراین هر معامله شناخته شده و متحدث که دارای یکی از این ویژگی‌ها باشد، از نظر اسلام ممنوع خواهد بود. طبق دیدگاه فقه اسلامی، میتوان از این چهار ویژگی تحت عنوان ضوابط عمومی قراردادهای بازار سرمایه یاد کرد (همان: ۱۸۹). همچنین ذکر این نکته ضروری است که این ضوابط مطرح شده از سوی

اسلام جز برای سامان‌دهی منظم، جلوگیری از ظلم و بی‌عدالتی و جلوگیری از نزاع‌ها و کشمکش‌های احتمالی آینده نیست و اگر اسلام با معاملات منتهی به اکل مال به باطل، معاملات غرری، ضرری و ربوی مخالفت می‌کند، نه از باب تعبد بلکه بخاطر تحقق عدالت، رفع شبهات و شفاف‌سازی و حفظ حقوق افراد جامعه و پیشگیری از اختلافات احتمالی است (همان: ۴۵۸).

بورس اوراق بهادار هم به عنوان مهم‌ترین نماد متشکل بازار سرمایه هر کشور از این قاعده مستثنی نیست و همانند سایر بازارهای معاملات اسلامی، لزوم آشنایی معامله‌گران آن با ضوابط عمومی چهارگانه حاکم بر قراردادهای بازارهای اسلامی و لزوم رعایت این ضوابط از سوی آنها

در معاملاتشان به شدت احساس می‌شود و ضروری به نظر می‌رسد، تا اینکه این نهاد مالی بتواند نقش خود را به‌عنوان یکی از بازارهای مالی بر اساس مبانی ارزشی و حقوقی اسلام به‌خوبی ایفا کند.

سؤالات تحقیق

- آیا بین میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه‌گذاران و میزان دانش فقهی رابطه معناداری وجود دارد؟
- آیا بین میزان دانش فقهی و میزان دینداری رابطه معناداری وجود دارد؟
- آیا بین میزان دین‌داری و میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه سرمایه‌گذاران رابطه معناداری وجود دارد؟
- آیا بین میزان دین‌داری و میزان آگاهی از قواعد لاضرر، اکل مال به باطل، غرر و ربا رابطه معناداری وجود دارد؟
- آیا بین میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه‌گذاران و میزان آگاهی از قواعد لاضرر، اکل مال به باطل، غرر و ربا رابطه معناداری وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

نقش مهم و به‌سزای بازار بورس اوراق بهادار به عنوان یکی از بازارهای مالی در اقتصاد هر کشوری و همچنین تأثیرگذاری قابل توجه و غیر قابل اغماض آن در چرخه اقتصاد (تجهیز منابع مالی، تخصیص بهینه منابع، توزیع عادلانه درآمد، تقسیم مالکیت‌های بزرگ و...) برای همگان تثبیت شده است. کاملاً واضح است که شرط موفقیت و کارآمدی این نهاد مالی، همچون سایر نهادها و مؤسسات مالی دیگر، پیروی از اصول و معیارهای اقتصادی (مبانی و شاخص‌های اقتصاد خرد، مبانی و شاخص‌های اقتصاد کلان) است. افزون بر این، در کشورهای اسلامی همچون ایران، شرط دیگر و لازم موفقیت مؤسسات و نهادهای اقتصادی سازگاری آنها با مبانی ارزشی و حقوقی اسلام است که تحت عنوان اصول و ضوابط فقهی عمومی و اختصاصی حاکم بر معاملات مورد بحث واقع می‌شوند (این ضوابط آنهایی هستند که اسلام برای نفس معامله و قرارداد در نظر گرفته است، افزون بر اینها ضوابطی چون بلوغ، رشد، رضایت برای متعاقدين وجود دارد که در کتب فقهی و حقوقی، به‌طور مفصل بحث می‌شود که در این مقال مجال

پرداختن به آنها نیست) و در بازارهای سرمایه تحت عنوان ضوابط عمومی و اختصاصی قراردادهای بازار سرمایه از دیدگاه فقه اسلامی معنی می‌گیرند.

حال با توجه به اهمیت نقش ذکر شده برای بازار بورس اوراق بهادار به عنوان مهمترین نماد متشکل بازار سرمایه هر کشور و لزوم پیروی مؤسسات و نهادهای اقتصادی در کشورهای اسلامی از مبانی ارزشی و حقوقی اسلام، ضروری است این مهم بررسی شود که ضوابط فقهی عمومی و اختصاصی حاکم بر معاملات تا چه اندازه بر معاملات این بازار استوار است؟ لذا از جهت اهمیت این موضوع و با توجه به اینکه تا اکنون در کشور تحقیقی که این مسئله را به‌خوبی واکاوی و روشن کند انجام نگرفته است بر آن شدیم تا میزان تأثیر و تأثر ضوابط عمومی قراردادهای بازار سرمایه از دیدگاه فقه اسلامی را در این بازار در قالب این پژوهش مورد بررسی قرار دهیم.

چارچوب نظری: ضوابط عمومی قراردادهای بازار سرمایه از دیدگاه فقه اسلامی

ممنوعیت اکل مال به باطل

از ضوابط عمومی قراردادها ممنوعیت اکل مال به باطل است. این ضابطه عمومی افزون بر اینکه ضابطه کلی حاکم بر همه قراردادهای و روابط مالی - اسلامی است، حتی بر بسیاری از ضوابط عمومی دیگر نیز ناظر می‌باشد. هر نوع تصرف در اموال دیگران بدون داشتن زمینه پرداخت عقابایی (اکل مال به باطل) شمرده می‌شود. هرچند که طریق به دست آوردن مال از اسباب حق چون قرض باشد. نتیجه اینکه (اکل مال به باطل) از نظر قرآن، سنت و فقه اسلامی حرام بوده و به عنوان یک ضابطه عمومی در تمام عرصه‌های مالی جریان دارد. از مستندات اصلی فقها در ضابطه کلی ممنوعیت (اکل مال به باطل) آیه ۲۹ سوره نسا است: «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجاره عن تراض منکم»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید اموال یکدیگر را به باطل نخورید مگر آن‌که تجارتهای یا تراضی از شما باشد. از نظر قواعد زبان عربی (باء) در کلمه (بالباطل) یا (باء سببیت) است یا (باء) مقابله. اگر بقاء سببیت باشد، مفهوم آیه چنین می‌شود: اموالتان را میان خود به سبب باطل نخورید. به عبارت دیگر، در اموال یکدیگر از طریق (سبب باطل) یعنی معامله‌ای که از نظر شرعی باطل است، تصرف نکنید. اگر بقاء مقابله باشد، معنای آیه اینگونه است: اموالتان را میان خود در مقابل امر باطل نخورید. در این صورت،

آیه شریفه شامل معاملاتی می‌شود که در آنها کسی مالی را از دیگری تملک کند و در مقابل آن عوض ارزشمندی به صاحب مال ندهد.

ممنوعیت ضرر و ضرار

یکی دیگر از ضوابط عمومی اکثر ابواب فقه، به‌ویژه باب معاملات، قاعده نفی ضرر است. به این معنا که این قاعده بر معاملات و مبادلات عقلایی حاکم است و شرع مقدس اسلام تنها آن گروه از معاملات و مبادلات را تأیید می‌کند که اصل معامله، اطلاق معامله یا شرایط معامله باعث ضرر و ضرار نشود. در غیر این صورت، به‌وسیله ضابطه نفی ضرر یا به بطلان معامله حکم می‌کند و یا با آوردن قیودی معامله را مقید به رعایت شرایطی می‌کند و در جایی که ضرر از وجود شرایط ناشی شده باشد آن شرایط را الغا می‌کند.

مدارک قاعده نفی ضرار

الف) قرآن

در قرآن آیه‌ای که درصدد نفی ضرر به صورت یک قاعده کلی باشد نیامده است، لکن در آیات متعددی احکامی ارائه شده که از باب تعلیق حکم به وصف و تنقیح مناط می‌توان نفی ضرر را به‌صورت یک قاعده کلی اثبات کرد.

«وَلَا يَضَار كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فَسُوقٌ بِكُمْ» (بقره: ۲۸۲)؛ نباید به نویسنده و شاهد (قرارداد، به خاطر حق‌گویی) زبانی برسد (و تحت فشار قرار گیرند). اگر چنین کنید، از فرمان پروردگار خارج شده‌اید.

ب) روایات

عمده دلیل فقها بر قاعده نفی ضرر، به صورت قاعده روایات است. برخی از محققان بیش از صد روایت در این زمینه آورده‌اند (موسوی، ۱۳۷۶: ۴۳). گروهی از این احادیث مشتمل بر تعبیر (لاضرر و لا ضرار) هستند که به‌صورت مستقیم و به نحو کلی دلالت بر قاعده می‌کنند، گروه دیگر مشتمل بر احکامی هستند که به نفی ضرر تعلیل شده‌اند و می‌توان برای اثبات قاعده به آنها استناد کرد.

ج) عقل

برخی از محققان معتقدند نفی ضرر و ضرار به صورت کلی، از اموری است که عقل به صورت مستقل بر آن حکم می‌کند، به این معنا که عقل با قطع نظر از وجود آیات و روایات، به استقلال، حکم به نفی ضرر و ضرار می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۸؛ محقق داماد، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۳۴).

دیدگاه فقیهان درباره قاعده نفی ضرر

۱. نظریه شیخ انصاری

به اعتقاد شیخ، از آنجا که ضرر در عالم واقع وجود دارد، به ناچار بایستی تقدیری در جمله باشد و آن اینکه لا حکم ضرری فی الاسلام، یعنی حکم ضرری در اسلام نیست. به عبارت دیگر، هر حکمی که از ناحیه شارع صادر شود، اگر مستلزم ضرر باشد یا از جهت اجرای آن ضرری برای مردم حاصل شود، طبق قاعده لا ضرر آن حکم برداشته می‌شود. برای مثال، حکم شارع به لزوم بیع غبنی، ضرر به حال مغبون است، پس لزوم بیع غبنی نفی می‌شود. یا جواز ضرر زدن به دیگری حکم ضرری است و به وسیله قاعده نفی می‌شود (انصاری، ۱۴۲۰: ۳۷۲).

۲. نظریه امام خمینی

امام خمینی قاعده لا ضرر را از باب حکم سلطانی می‌داند. به اعتقاد ایشان پیامبر علاوه بر شأن نبوت و تبلیغ احکام الهی، شأن ریاست و قضاوت هم دارند و قاعده لا ضرر از جمله احکام حکومتی و اجرایی رسول اکرم می‌باشد. یعنی حضرت در مقام حکمرانی با بیان (لا ضرر و لا ضرار) به عنوان ضابطه‌ای حکومتی، مردم تحت امر خود را از وارد کردن ضرر و خسارت به یکدیگر منع فرموده است. البته اطاعت این فرمان بر همه مسلمانان واجب است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱: ۵۱).

قلمرو قاعده نفی ضرر

۱. شمول قاعده بر نفی حکم تکلیفی و وضعی

۲. شمول قاعده بر امور عدمی

۳. تقدیم قاعده نفی ضرر بر ادله احکام اولیه

۴. تقدیم قاعده لاضرر بر قاعده تسلیط مردم بر اموال

از بررسی قاعده لاضرر و لاضرر به این جمع‌بندی می‌رسیم که آن دسته از معاملات عقلایی که اصل معامله یا یکی از اوصاف معامله یا نبود شرطی در معامله منتهی به ضرر دیگری شود از نظر شرع حرام و ضمان آور است. به این جهت اسلام معامله یکی از شرکا بدون لحاظ حق شفعه، لزوم بیع غبنی بدون لحاظ خیار غبن برای مغبون و حق بهره‌برداری از مالکیت خصوصی با وارد کردن ضرر به دیگری را مجاز نمی‌داند و به تناسب مورد به وجود حق شفعه، عدم لزوم بیع غبنی و حق خیار مغبون و ایجاد محدودیت‌هایی برای مالکیت خصوصی حکم می‌کند.

ممنوعیت غرر

یکی از ویژگی‌های فقه اسلام در بخش معاملات، ممنوعیت معاملات غرری است. فقهای اسلام برخی از معاملات را به سبب وجود غرر باطل می‌دانند. از آنجا که عمده دلیل قاعده روایات، به ویژه حدیث نبوی معروف نهی النبی عن بیع الغرر، است، به اصطلاح، اجماع مدرکی خواهد بود و خود ارزش مستقلی نخواهد داشت و نقل آن صرفاً برای اعلان تسالم فقهاست. طبق تحقیق مرحوم نراقی این حدیث را سید در انتصار، ابن ادریس در سرائر، علامه در تذکره، پسر علامه در شرح قواعد، فاضل مقداد در التتقیح، شهید در قواعد و حاجبی در مختصر نقل کرده‌اند (نراقی، ۱۳۷۵: ۸۴). امام خمینی (ره) در خصوص این حدیث عقیده دارند که: چنان‌که حکایت شده، شیعه و سنت بر این حدیث نبوی استناد می‌کنند و آن از طرق متعدد در وسائل و مستدرک الوسائل نقل شده است و اشکالی در استناد به آن نیست (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۹۵). همچنین نیز استناد دیگری به روایت دعائم الاسلام از امیرالمومنین (ع) است. از حضرت علی (ع) درباره فروش ماهی در نيزار، شیر در پستان و پشم در پشت گوسفندان پرسیده شد، حضرت فرمودند: هیچ یک از اینها جایز نیست، زیرا مجهول و ناشناخته و قابل کم و زیاد شدن است و این غرر است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۳: ۲۳۵). این روایت گرچه به مصادیق خاص بیع ناظر است لکن به جهت تعلیلی که در آن وجود دارد قابل تعمیم است. البته از حیث سند مرسل بوده و به تنهایی قابل استناد نیست.

معنای قاعده نفی غرر

لغویین معانی متعددی برای غرر و مشتقات آن مطرح کرده‌اند. راغب اصفهانی غرر را به معنای خطر می‌داند و حدیث نبوی را به همان معنا تفسیر می‌کند (اصفهانی، ۱۳۸۷، ماده غر). قاموس

اللغه غرر را اسم مصدر غَرَّ به معنای فریب دادن می‌داند. وی می‌گوید: غَرَّ غَرّاً و غروراً و غِرَّةً به معنای او را فریب داد، به وسیله باطل گول زد (فیروز آبادی، ج ۲: ۱۰۰). ابن اثیر می‌گوید: بیع الغرر ما كان له ظاهر يغرّ المشتري و باطن مجهول؛ بیع غرری بیع کالایی است که ظاهری فریبنده و باطنی مجهول دارد. الصحاح آن را از باب غفلت می‌داند و می‌گوید: رجل غر و غریر یعنی فردی بدون تجربه، ناآگاه، الغرَّة به معنای الغفلة، الغار یعنی غافل و غرر به معنای خطر (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۲: ۷۴۸). امام خمینی (ره) نیز معنای اصلی غرر را «خدعه» می‌داند و معتقد است سایر معانی چون «آنچه ظاهری فریبنده و باطنی مجهول دارد»، «آنچه انسان را در معرض هلاک قرار می‌دهد»، «خطر»، «غفلت»، «آنچه مورد اعتماد و تعهد نیست»، که از طرف لغویین و فقها مطرح شده است، همگی به خدعه برمی‌گردد. ایشان در حدیث نبوی نیز مناسب‌ترین معنا برای غرر را معنای خدعه می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۹۸-۲۹۵).

تطبیقات قاعده نفي غرر

فقها در تطبیق قاعده نفي غرر مواردی را بیان کرده‌اند که به اهم آنها اشاره می‌کنیم که البته دلیلی بر انحصاردر این موارد نیست و در برخی از موارد علاوه بر قاعده نفي غرر، ممکن است دلیل دیگری نیز بر بطلان معامله دلالت کند: خطر عدم وجود یک از عوضین. خطر عدم قدرت بر تسلیم عوضین. خطر عدم اطلاع از ارزش عوضین. خطر عدم اطلاع از خصوصیات و شرایط معامله.

ممنوعیت ربا

شاید مهم‌ترین و شاخص‌ترین تفاوت اقتصاد اسلامی با سایر اقتصادها، ممنوعیت ربا از دیدگاه اسلام باشد. در حالی که ربا و بهره در تار و پود اقتصاد متعارف حضور دارد و به اشکال مختلف اوراق قرضه، سپرده‌ها، وام‌ها و اعتبارات بانکی، کارت‌های اعتباری و... در همه ابعاد اقتصاد سرمایه‌داری جریان دارد، اسلام با شدت تمام از آن نهی کرده، از گناهان کبیره شمرده و مرتکب شونده آن را نه تنها به عقاب دردناک اخروی بیم داده، به مبارزه دنیوی نیز تهدید کرده است. بحث از ربا و تبیین ابعاد مختلف آن نیازمند تحقیق مستقل و مفصل است. ما در این قسمت با رعایت اختصار، به اندازه نیاز به بررسی ربا می‌پردازیم (موسویان، ۱۳۸۷: ۱۳۳-۱۳۲).

مدرک تحریم ربا

روشنی حکم تحریم ربا و مستند بودن آن به قرآن، سنت، اجماع و انفاق مسلمانان به قدری واضح است که جای هیچ بحث و گفت‌وگویی نمی‌ماند. به طوری که در طول تاریخ اسلام، هیچ کس در آن تردید نکرده است. امام خمینی در این باره می‌فرماید: حرمت ربا به وسیله قرآن و سنت و اجماع مسلمین ثابت است، بلکه بعید نیست که حرمت آن از ضروریات دین باشد (موسوی خمینی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۴۹۲).

بنابراین شاید بحث از مدرک حکم بی‌فایده باشد. البته بحث‌های زیادی درباره ماهیت ربای محرّم در اسلام صورت گرفته است، به طوری که دیدگاه‌های متفاوت و گاه متناقض مطرح شده است. غالب این اختلاف‌ها به این نکته برمی‌گردد که ربای رایج در عصر تشریح چه بود؟ اسلام چگونه آن را تحریم کرد؟ قلمرو حرمت ربا تا کجاست؟

ماهیت ربای عصر تشریح

بررسی متون تاریخی، حدیثی و تفسیری نشان می‌دهد که ربای مرسوم در جزیره‌العرب اختلافی با ربای رایج در جوامع دیگر نداشت و به طور کلی در دو مورد مطرح بود:

۱. ربا در قرض، مالی را تا مدت معینی قرض می‌دادند و در مقابل شرط می‌کردند که بدهکار مقداری زیادتر بپردازد و مقدار زیادی طبق توافق طرفین به صورت ماهانه یا سالانه پرداخت می‌شد.

۲. ربا برای تمدید مدت بدهی، وقتی بدهکار در سررسید قدرت پرداخت بدهی را نداشت، در قبال تمدید مدت، بر مبلغ بدهی افزوده می‌شد (بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱: ۹۲-۸۴).

کیفیت تحریم ربا در قرآن

گروهی از مفسران و محققان، تحریم ربا را همانند تحریم شراب‌خواری به صورت تدریجی می‌دانند. این افراد معتقدند: در عصر ظهور اسلام، رباخواری در جزیره‌العرب چنان گسترده بود که امکان تحریم دفعی آن وجود نداشت، لذا خداوند متعال با فرستادن آیات مختلف از آغاز بعثت، ربا را مورد نکوهش قرار داد و به تدریج زمینه تحریم قاطع و فراگیر آن را مهیا کرد (دراز، ۱۴۰۷: ۱۹).

ربا در سنت

عن فقه‌الرضا (ع): اعلم یرحمک الله ان الربا حرام سحت من الكبائر و ممّا قد وعد الله علیه النار فنعود بالله منها و هو محرّم علی لسان کل نبی و فی کلّ کتاب (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ج ۳۳: ۱۲۱)، بدان که خدا تورا رحمت کند، به درستی که ربا حرام و پلید و از گناهان کبیره و از جمله جرایمی است که خداوند بر آن وعده عذاب داده است. پس از آن به خدا پناه می‌بریم. ربا در کلام همه پیامبران و در همه کتاب‌های آسمانی حرام شده است.

انواع ربا

فقیهان بزرگ اسلام ربا را به دو قسم ربای قرضی و ربای معاملی تقسیم می‌کنند.

۱. ربای قرضی: ربای قرضی چه در زمان‌های گذشته و چه در عصر حاضر رایج‌ترین نوع ربایی است که در جوامع مختلف وجود داشته و دارد، به این صورت که فرد برای تأمین نیاز مالی - برای امور مصرفی یا سرمایه‌گذاری - تقاضای قرض می‌کند و در ضمن قرارداد، متعهد می‌شود آنچه را می‌گیرد همراه با زیاده برگرداند. در حقیقت، ربای قرضی قرارداد قرضی است که در آن شرط زیاده شده است. چنانچه از قرآن و سنت بیان شد، چنین ربایی حرام است (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۱۶۰، باب ۱۸).

۲. ربای معاملی: در سنت معصومین (ع)، نوع خاصی از ربا به نام «ربای معاملی» تحریم شده است، این نوع ربا در گذشته، که مبادله کالا با کالا رواج داشت، بیشتر بود. لذا بخش مهمی از مباحث ربا در کتاب‌های فقهی به آن اختصاص دارد. اکنون که بیشتر معاملات به صورت پولی است، ربای معاملی کمتر مطرح می‌شود، در عین حال، در بعضی موارد جریان پیدا می‌کند.

در آخر می‌توان گفت: رعایت چهار قاعده ذکر شده «ممنوعیت اکل مال به باطل، ممنوعیت ضرر و ضرار، ممنوعیت غرر و ممنوعیت ربا» شرط اسلامی بودن هر معامله‌ای است. یعنی اگر چهار ممنوعیت بالا در داد و ستدی رعایت شد آن معامله از لحاظ شرع اسلام پذیرفته شده است. حال هر کدام از این قواعد دارای جزئیات و مواردی است که به تفصیل مورد بحث قرار گرفت.

پیشینه تحقیق

در این بخش مطالعاتی که مرتبط با کاربری قواعد معاملات اسلامی در قراردادهای بازار سرمایه توسط کنشگران این بازار می باشد، بیان می گردد. در ایران مطالعه مستقیمی در این ارتباط وجود ندارد و مطالعات مربوط به راه کارها، آثار، پیامدها، محدودیت‌ها و فرصت‌های پیاده‌سازی فروع اساسی معاملات اسلامی در بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه است. موسویان در پژوهشی به بررسی جامع فقهی و اقتصادی ابزارهای مالی اسلامی (صکوک) می پردازد و فرصت‌ها، تهدیدها، موقعیت‌ها، ضرورت‌ها، بایسته‌ها و پیامدهای پیاده‌سازی آنها را مورد بررسی قرار می دهد و در نهایت نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می دهد که آموزه‌های دین اسلام نه تنها مانع پیشرفت و نوآوری در عرصه معاملات نیست بلکه به مقتضای اصل لفظی صحت معاملات که از آیات و روایات استنباط می شود، زمینه را برای هر نوع نوآوری فراهم می کند. بنابراین فعالان بازار-های مالی و شرکت کنندگان در بازارهای اوراق بهادار می توانند با استناد به اینکه «مطابق آیات و روایات تمام معاملات عقلایی تا زمانی که به صورت خاص یا در ضمن دلیل عام مورد نهی قرار نگیرد، صحیح و لازم است» با رعایت ضوابط عمومی «ممنوعیت اکل مال به باطل، نفی ضرر، نفی غرر و نفی ربا» به طراحی شیوه‌ها و ابزارهای مالی جدید اهتمام ورزیده، جامعه اسلامی را در رشد و توسعه اقتصادی یاری کنند (موسویان، ۱۳۸۷: ۶۰-۵۹ع).

احمدیان و حسن زاده در پژوهشی تأثیر ابزارهای مالی اسلامی را بر رشد سرمایه‌گذاری مورد بررسی قرار داده و پیش‌بینی می کند که با انتشار ابزارهای مالی اسلامی (صکوک) و مقبولیت آن بین سرمایه‌گذاران ظرفیت سرمایه‌گذاری از میزان یک میلیون و ۶۶۹ هزار و ۶۲۰ و یک میلیون و ۶۶۷ هزار و ۲۰۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ به میزان ۴ میلیون و ۲۶ هزار و ۳۶۸ و ۵ میلیون و ۶۵۵ هزار و ۹۱۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۳ برسد. همچنین میزان سرمایه‌گذاری بدون انتشار صکوک در سال ۱۳۸۳ معادل ۱ میلیون و ۴۵۶ هزار و ۵۰۳ میلیارد ریال و در سال ۱۳۸۶ معادل ۱ میلیون و ۷۴۵ هزار و ۴۸۹ میلیارد ریال بوده است که بسیار کمتر از زمان انتشار صکوک می باشد. همچنین پیشنهاد می شود که با توجه به اهمیت این ابزارها زمینه مناسب برای ایجاد بازار ثانویه مناسب برای خرید و فروش این اوراق فراهم و نقدشوندگی آنها تسهیل گردد (احمدیان و حسن زاده، ۱۳۹۱: ۵۸-۲۹).

محرابی در پژوهشی به بررسی موقعیت خدمات مالی اسلامی در کشور مالزی پرداخته است و بیان می دارد که بازار صکوک در مالزی با موفقیت و استقبال فراوانی همراه بوده است که از

این طریق می‌تواند انگیزه‌های لازم را برای شکل‌گیری بازار رو به رشد، پویا و پیشرفته برای اوراق بهادار به وجود آورد (محرابی، ۱۳۸۹: ۷۸-۷۱).

در ایران مطالعه مستقیمی که مرتبط با کاربست قواعد معاملات اسلامی در قراردادهای بازار سرمایه توسط کنشگران این بازار باشد وجود ندارد و بیشتر مطالعات به صورت توصیفی و کتابخانه‌ای بوده و از نزدیک با کنشگران بازار در ارتباط و پرسش و پاسخ نبوده است و اکثراً مربوط به راه‌کارها، آثار، پیامدها، محدودیت‌ها و فرصت‌های پیاده‌سازی فروض اساسی معاملات اسلامی در بخش‌های مختلف اقتصادی جامعه است. حال اینکه این مقاله به صورت مطالعه میدانی و پیمایشی از نزدیک با کنشگران بازار سرمایه در ارتباط بوده و تمامی نتایج و یافته‌ها مستقیماً از جامعه آماری تحت مطالعه جمع‌آوری شده است و به واقعیت آنچه در تالار بورس جمهوری اتفاق می‌افتد نزدیک‌تر است.

روش شناسی

در این تحقیق از دو تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته و پیمایش استفاده شده است. از آنجایی که امکان دسترسی به تعداد کل معامله‌گران و هرگونه اطلاعات دیگری در مورد آنان در بازار سرمایه وجود ندارد و اگر هم این امکان وجود داشته باشد، دستیابی به چنین گروه بزرگی هزینه سنگینی دربردارد، چه برای تجمع و گردآوری اطلاعات و چه دسترسی به آنان، شیوه‌های دیگر نمونه‌گیری مد نظر قرار گرفت. شیوه‌ای که مورد توجه قرار گرفت شیوه‌ای بود که بتواند از طریق دسترسی به نظرات بخشی از گروه کنشگران در بازار معرف نظرات کل آنها باشد. شروع مرحله اول کار شبیه به نمونه‌گیری غیر احتمالی بود اما با روش «آزمون‌های مکرر» کار ادامه و به اتمام رسید. در مرحله نخست، که در طول هفته دوم اسفندماه ۱۳۹۱ (۸ اسفند الی ۱۴ اسفند) صورت گرفت، نظرات تعداد ۱۰۰ نفر از معامله‌گران جمع‌آوری شد. در مرحله دوم، از ۸ تا ۱۴ آبان ماه ۱۳۹۲، نیز نظرات تعداد ۹۸ نفر در طول هفته مورد پرسش قرار گرفت. اتفاقات و رویدادهای هر دو هفته متفاوت بودند اما نتایج به دست آمده بسیار نزدیک به یکدیگر بودند. با مشاوره‌های آماری تصمیم گرفته شد که مرحله دوم به منزله اشباع نظری در نظر گرفته شود. به نحوی که می‌توان همین دو آزمون را تا حدی به کلیه معامله‌گران بازار نیز تعمیم داد. در هفته‌ای که آزمون اول انجام شد وضع رویدادهای بیرونی و درونی مؤثر بر بازار چنین گزارش شد: در نخستین روز هفته (۸ اسفند) توقف نمادها و توصیه‌ها به سهامداران عمده برای

افزایش عرضه‌ها و عدم خرید سهام، زمینه خروج نقدینگی از بازار سهام را فراهم کرد، تا اینکه بازار سرمایه در سایه خروج نقدینگی به شدت به سوی افت حرکت کرده و کاهش شدید شاخص را شاهد باشد. در همین حال در بازار طلا نیز دیروز با اعلام قیمت یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومانی پیش فروش سکه، این بازار بازدهی مناسبی را از خود به نمایش گذاشت. این امر در شرایطی بود که سرمایه‌گذاران بورس تهران با ۱/۵ درصد کاهش شاخص مواجه شدند که این امر به خروج نقدینگی شدیدتر در روزهای آینده منجر شد. کارشناسان فروش‌های گسترده برخی از حقوقی‌های بازار برای تأمین نقدینگی مورد نیاز در روزهای پایانی سال را به عنوان دلیل کاهش شدید نقدینگی در بازار می‌دانستند. پس از کاهش ۲/۵ درصدی شاخص کل در دو روز گذشته و رسیدن بسیاری از نمادها به خطوط قوی حمایتی خود، در این روز (۸ اسفند ۱۳۹۱)، در بازار شاهد تقویت قسمت تقاضا و ضعف فروشندگان در اکثر نمادها بودیم. این روز اگرچه بازار شروع خود را در ادامه رنگ قرمز روزهای قبل شروع کرده بود که با توجه به کاهش قیمت‌ها در روزهای قبل و جذاب شدن برای خرید، فشار تقاضا در اکثر نمادهای بازار، باعث بازگشت شاخص کل و رشد ۲۲۳ واحدی آن شد.

روز بعد (۹ اسفند ۱۳۹۱) بودجه ۱۳۹۲، بدون حضور رئیس جمهور، به مجلس فرستاده شد. بررسی درآمدها و هزینه‌های بودجه‌ای در سال ۱۳۹۲ نشان می‌داد، تراز عملیاتی بودجه سال آینده بیش از ۲۹ هزار و ۵۰۹ میلیارد تومان منفی است. به عبارت دیگر، هزینه‌های دولت بیش از ۲۹ هزار و ۵۰۹ میلیارد تومان از درآمدهایش بیشتر است. به علاوه، شروع مذاکرات سیاسی نمایندگان تهران و گروه ۵+۱ در آلماتی قزاقستان از اهمیت برخوردار بود. اعلام دیر هنگام احتمال پیشنهاد طرح جدیدی از سوی تهران به این مذاکرات موجب بروز جو انتظار برای نتایج مذاکرات شده است. انتظار می‌رفت این مذاکرات که در آن روز نیز ادامه یافت، به توافقی برای برگزاری سلسله نشست‌های جدیدی میان دو طرف پرونده هسته‌ای کشورمان منجر شود.

معامله‌گران دیروز شاهد اعلام رسیدن تورم رسمی به رقم ۳۱ درصد بودند که در ۱۷ سال گذشته بی‌سابقه بوده است. این امر می‌تواند به معنای لزوم افزایش نرخ سود بانکی باشد، هرچند که مقامات بانک مرکزی بررسی چنین موضوعی را رد می‌کنند. در همین حال، با اوج‌گیری تورم، بازار سهام باید از طریق افزایش سود شرکت‌ها بدون تغییر در قیمت یا کاهش قیمت و اصلاح P/E خود را با بازده انتظاری شرایط تورمی کنونی مطابقت دهد و این امر موجب خواهد شد تا بازار با تغییرات ناشی از تورم مواجه باشد. روز گذشته، ۳۶ سناتور آمریکایی در نامه‌ای

به اتحادیه اروپا خواستند فشارهای خود را بر ایران به خاطر برنامه هسته‌ای این کشور تشدید کند. در همین حال ایران بارها آمادگی خود را برای گفتگو و یافتن راه‌کاری سیاسی جهت حل اختلافات اعلام کرده است.»

رییس اتحادیه طلا و جواهر استان تهران با اشاره به عدم استقبال مردم از پیش فروش سکه بیان کرد: «قیمت اعلام شده از سوی بانک مرکزی بسیار بالا بوده و این قیمت باعث شده است که قیمت سکه در بازار آزاد افزایش یابد.»

روز گذشته قیمت طلا در بازارهای جهانی، به دلیل ترس از بالا رفتن بدهی برخی کشورهای منطقه یورو با رشد مواجه شد و به نظر می‌رسد دوباره به سرمایه‌گذاری مطمئنی برای بازیگران بازارهای جهانی تبدیل شده است. روز بعد (۹ اسفند) بازار کار خود را با رشد ۲۳۷ واحدی و ارزش معاملات ۹۱ میلیارد تومانی به پایان رسانید.

روز ۱۲ اسفند ۱۳۹۱ از جزئیات بودجه سال آتی، بحث افزایش ۵ برابری حقوق دولتی بهره‌برداری از معادن برای سال آتی می‌باشد. خبری که بازار امروز متأثر از این موضوع با افت روبه‌رو شد. در نتیجه مبادلات ۱۲ اسفند، شاخص کل با افت ۳۷۴ واحدی روبه‌رو شد و ارزش معاملات با ثبت عدد ۱۲۴ میلیارد تومان، همچنان نوید از بازگشت بازار می‌دهد.

در روز ۱۳ اسفند ۱۳۹۱، در نتیجه معاملات، شاخص کل افت ۲۸۱ واحدی با ارزش معاملات ۱۹۶ میلیارد تومانی را تجربه کرد. روز بعد نیز (۱۴ اسفند ۱۳۹۱) وزیر امور خارجه کشورمان گفت: از امروز به بعد شاهد رفع تدریجی تحریم‌ها خواهیم بود.

در روز ۱۴ اسفند ۱۳۹۱، پس از اعلام نتیجه مثبت مذاکرات کشورمان با گروه ۵+۱ از سوی جلیلی و اظهار امیدواری کاترین اشتون از ادامه گفتگوها، روند قیمتی دلار و سکه معکوس گردید به طوری که طی ۴ روز معاملاتی گذشته نرخ دلار از ۳۷۸۰ تومان به ۳۳۸۰ تومان کاهش یافت. سکه نیز با قیمت یک میلیون و ۳۲۰ هزار تومان معامله شد. نکته جالب آنکه با وجود کاهش قیمت دلار و سکه، بانک مرکزی قیمت پیش فروش سکه‌های خود را پایین نیاورده و همچنان بر قیمت یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان بود. بازار در ادامه عدم چشم‌اندازی روشن و واضح از آینده اقتصادی و سیاسی کشور در سال ۱۳۹۲، همچنان به روند کاهشی خود ادامه داد. در نتیجه معاملات این هفته، شاخص کل بعد از افت و خیز زیاد، در نهایت به نقطه آغازین خود بازگشت و افت ۲۰ واحدی را در کارنامه امروز خود به ثبت رسانید. ارزش معاملات نیز

نتوانست چیزی بیشتر از ۸۴ میلیارد تومان را به ثبت برساند تا احتیاط ناشی از ابهامات سهامداران را اثبات کند.

در هفته‌ای که آزمون دوم با روش آزمون مکرر انجام شد (هفته دوم آبان ماه ۱۳۹۲) وضع بازار به این شرح بود:

بازار امروز با حجمی بالاتر از روز گذشته‌اش و ارزش معاملات بیشتر، کار خود را پایان داد. در نتیجه معاملات روز، (۸ آبان ماه ۱۳۹۲)، شاخص کل ۳۸۵ واحد رشد کرد و به وسط کانال ۷۳۰۰۰ واحدی رسید.

روز ۱۱ آبان ماه ۱۳۹۲ با نزدیک شدن به روز ۱۳ آبان ۱۳۹۲ و عزم برخی از مسئولان مخالف عادی سازی روابط بین‌المللی، بر فشار عرضه‌ها افزوده شده است.

با انتشار گزارش‌های ۶ ماهه و تمرکز بر عملکرد محقق شده شرکت‌ها، بازار جو واقع‌بینی، متعادل و در عین حال به دور از هیجان‌زدگی به خود گرفته است. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی بازار سرمایه (سنا)، محمودرضا خواجه‌نصیری مدیر نظارت بر بورس‌ها و بازارهای سازمان بورس با بیان مطلب فوق گفت: علاوه بر رفتار منطقی خریداران و سرمایه‌گذاران، عرضه‌های مناسب و خوب از طرف سهامداران حقیقی به روند نوسانات شکل معقول‌تری داده است تا تهدید و فرصت‌های غیرعادی در بازار حذف شود. خواجه‌نصیری با تأکید بر وجود بازار منطقی و معقول تصریح کرد: بخش قابل توجهی از هیجان‌ها که ناشی از افزایش مستمر در هفته‌های گذشته بود فروکش کرده است، چون سرمایه‌گذاران دیگر نگران کاهش شدید و ناگهانی قیمت‌ها بر اثر افزایش بی‌رویه قیمت‌ها نیستند. بدین سبب این امکان فراهم می‌شود که سرمایه‌گذاران با تحلیل و مدیریت سرمایه‌گذاری، برای کسب منفعت بیشتر حرکت کنند. مدیر نظارت بر بورس‌ها و بازارهای سازمان بورس خاطرنشان کرد: سرمایه‌گذاران در شرایط کنونی بازار می‌توانند تا حد زیادی در فضای مطمئن و کم ریسک معاملات خود را انجام دهند. بازار روز (۱۱ آبان ۱۳۹۲) نیز گرچه عرضه‌های زیادی داشت، اما در کل به صورت متعادل ادامه پیدا کرد. در نتیجه معاملات روز، شاخص کل با افت ۴۸ واحدی و ارزش معاملات ۳۶۲ میلیارد تومانی، به کار خود پایان داد.

شاخص کل روز ۱۲ آبان ماه ۱۳۹۲، به مدد نماد فارس، توانست روزی مثبت را برای خود به ثبت برساند! اما ارزش معاملات این روز (۱۲ آبان ۱۳۹۲) و روز قبل از آن (۱۱ آبان ۱۳۹۲)،

که به نسبت هفته گذشته رو به بهبود بود، همچنان نشان از امیدواری سهامداران از بهبود شرایط در آینده دارد.

بازار روز ۱۳ آبان ۱۳۹۲ که با افزایش عرضه‌ها همراه بود، در ادامه به دلیل افت قیمت‌ها در برخی از نمادها و جذابیت قیمت برای خرید، با افزایش تقاضا برای خرید روبرو گردید. این فراز و نشیب بازار باعث شد تا شاخص کل که افت حدود ۲۰۰ واحدی را شروع کرده بود، در ادامه مجدداً به نقطه آغازین خود باز گردد و در نهایت به افت ۳۱ واحدی رضایت بدهد.

در اول روز ۱۴ آبان ۱۳۹۲، جلسه شورای پول و اعتبار برگزار شد تا در ارتباط با نرخ بهره بانکی تصمیم‌گیری شود. معامله‌گران انتظار داشتند که بر سر نرخ توافقی توافق شود که بازار سرمایه را برهم نزند. اگر توافق بر سر نرخ ۲۷ درصدی انجام شود که در بازار شنیده می‌شد تأثیرات منفی بر کل بازار سرمایه خواهد داشت.

بنابراین، در دو هفته‌ای که دو آزمون در آن انجام شد معامله‌گران دو هفته متفاوت را گذراندند. فضای ریسک‌پذیری کمتری در هفته دوم مشاهده می‌شد.

نتایج و یافته‌ها

فرضیه شماره ۱:

«بین میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه سرمایه‌گذاران و میزان دانش فقهی رابطه معناداری وجود دارد».

جدول شماره ۱. رابطه دانش فقهی با میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه

سرمایه‌گذاران

آزمون نخست	دانش فقهی
مقدار پیرسون	۰/۱۶۵
میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه‌گذاران	سطح معناداری
	۰/۱۰۱
	تعداد
	۱۰۰

جدول شماره ۲. رابطه دانش فقهی با میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار

سرمایه سرمایه‌گذاران

آزمون دوم	دانش فقهی
مقدار پیرسون	۰/۱۶۳
میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه‌گذاران	سطح معناداری
	۰/۱۰۱
	تعداد
	۹۸

با توجه به مقدار آزمون همبستگی پیرسون و سطح معناداری آن در هر دو آزمون می‌توان گفت که بین دو متغیر میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه‌گذاران و دانش فقهی رابطه معناداری وجود ندارد.

فرضیه شماره ۲:

«بین میزان دانش فقهی و میزان دین‌داری رابطه معناداری وجود دارد.»

جدول شماره ۳. رابطه دانش فقهی با میزان دین‌داری

آزمون نخست	دانش فقهی
مقدار پیرسون	۰/۲۰۰
دین‌داری	سطح معناداری ۰/۰۴۶
	تعداد ۱۰۰

جدول شماره ۴. رابطه دانش فقهی با میزان دین‌داری

آزمون دوم	دانش فقهی
مقدار پیرسون	۰/۲۰۰
دین‌داری	سطح معناداری ۰/۰۴۵
	تعداد ۹۸

با توجه به مقدار آزمون همبستگی پیرسون و سطح معناداری آن در هر دو آزمون می‌توان گفت که بین دو متغیر دین‌داری و دانش فقهی رابطه مستقیم و ضعیفی وجود دارد. بدین معنا که هرچه افراد دین‌دارتر شوند بر میزان دانش فقهی آنان افزوده می‌شود.

فرضیه شماره ۳:

«بین میزان دین‌داری و میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه سرمایه‌گذاران رابطه معناداری وجود دارد.»

جدول شماره ۵. رابطه میزان دین‌داری با میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات

بازار سرمایه سرمایه‌گذاران

آزمون نخست	دین‌داری
مقدار پیرسون	۰/۲۳۸
میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه‌گذاران	سطح معناداری ۰/۰۱۷
	تعداد ۱۰۰

جدول شماره ۶. رابطه میزان دین داری با میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار

سرمایه سرمایه گذاران

دین داری	آزمون دوم
۰/۲۳۶	مقدار پیرسون
۰/۰۱۸	سطح معناداری
۹۸	تعداد

با توجه به مقدار آزمون همبستگی پیرسون و سطح معناداری آن در هر دو آزمون می توان گفت که بین دو متغیر میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه گذاران و میزان دین داری رابطه مستقیم و ضعیفی وجود دارد، بدین معنا که هرچه افراد دین دارتر شوند بر میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه گذاران آنان افزوده می شود.

فرضیه شماره ۴:

«بین میزان دین داری و میزان آگاهی از قواعد لاضرر، اکل مال به باطل، غرر و ربا رابطه معناداری وجود دارد».

جدول شماره ۷. رابطه میزان دین داری با آگاهی از قواعد لاضرر، اکل مال به باطل، غرر و ربا

آزمون نخست	لاضرر	اکل مال به باطل	غرر	ربا
مقدار اسپیرمن	۰/۱۰۸	۰/۲۰۲	-۰/۰۱۹	۰/۱۱۵
دین داری	۰/۲۸۶	۰/۰۴۴	۰/۸۵۲	۰/۲۵۵
تعداد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۸. رابطه میزان دین داری با آگاهی از قواعد لاضرر، اکل مال به باطل، غرر و ربا

آزمون دوم	لاضرر	اکل مال به باطل	غرر	ربا
مقدار اسپیرمن	۰/۱۰۶	۰/۲۰۰	-۰/۰۱۸	۰/۱۱۵
دین داری	۰/۲۸۳	۰/۰۴۲	۰/۸۵۰	۰/۲۵۳
تعداد	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸

همان‌طور که در جداول بالا مشاهده می‌شود، فقط رابطه بین میزان دین‌داری و اکل مال به باطل معنادار است، بنابراین می‌توان گفت بین این دو متغیر رابطه مستقیم و ضعیفی وجود دارد، بدین معنا که هرچه بر میزان دین‌داری افزوده شود میزان آگاهی از قاعده اکل مال به باطل نیز افزوده می‌شود.

فرضیه شماره ۵:

«بین میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه‌گذاران و میزان آگاهی از قواعد لاضرر، اکل مال به باطل، غرر و ربا رابطه معناداری وجود دارد.»

جدول شماره ۹ رابطه میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه

سرمایه‌گذاران با آگاهی از قواعد لاضرر، اکل مال به باطل، غرر و ربا

آزمون نخست	لاضرر	اکل مال به باطل	غرر	ربا
مقدار اسپیرمن	۰/۰۶۹	۰/۱۴۸	۰/۰۶۹	۰/۱۵۷
سطح معناداری	۰/۴۹۳	۰/۱۴۱	۰/۴۹۶	۰/۱۲۰
تعداد	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۱۰. رابطه میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه

سرمایه‌گذاران با آگاهی از قواعد لاضرر، اکل مال به باطل، غرر و ربا

آزمون دوم	لاضرر	اکل مال به باطل	غرر	ربا
مقدار اسپیرمن	۰/۰۶۷	۰/۱۴۶	۰/۰۶۸	۰/۱۵۸
سطح معناداری	۰/۴۹۱	۰/۱۴۲	۰/۴۹۳	۰/۱۱۹
تعداد	۹۸	۹۸	۹۸	۹۸

همان‌طور که در جداول بالا مشاهده می‌شود، بین میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه‌گذاران و آگاهی از قواعد لاضرر، اکل مال به باطل، غرر و ربا هیچ رابطه معناداری وجود ندارد.

نتایج مصاحبه با شرکت‌های کارگزاری

از سه شرکت کارگزاری برای اظهارنظر در مورد اینکه آیا معامله‌گران بازار بدون توجه به قواعد اسلامی به معامله می‌پردازند سؤال شد. هر سه شرکت بر این اعتقاد بودند که مادامی که بر

معاملات سهام، از نظر رعایت قواعد اسلامی از طرف فقها و مسئولین تنظیم مقررات بازار، نظارت می‌گردد آنها احساس می‌کردند که هیچ شبهه‌ای در معاملات وجود ندارد و عدم توجه و تمرکز معامله‌گران بر چهار قاعده مورد نظر ناشی از این امر است. به طور مثال، شرکت کارگزاری اول ادعا می‌کرد که «در وهله اول، وظیفه کمیته پذیرش است که بررسی کند و اگر شرکتی قوانین و مقررات شرع را در معاملات خود رعایت نکند (آگاهانه یا غیر آگاهانه)، ما به ندرت مطلع می‌شویم و اگر مطلع شویم، سهام آنها را خرید و فروش نمی‌کنیم. سرانجام فرض ما بر این است که همه طبق ضوابط شرعی فعالیت می‌کنند مگر اینکه عکس آن ثابت شود و ما وظیفه بررسی داخلی شرکت را نداریم». شرکت کارگزاری دوم نیز بر این اعتقاد بود که «فرض بر این است که تمام بنگاه‌ها در چهارچوب قانون دارای منفعت برای خودش و جامعه است، اما گاهی ممکن است محصولات شرکتی دارای منع قانونی نباشد اما برای سلامتی مضر باشد که تقریباً هم اجتناب‌ناپذیر است و سیستم صنایع و سیستم اقتصادی باید برخورد کند و مسئولیت با ما نیست. فرض بر این است که در جمهوری اسلامی، چنین شرکت‌هایی وجود ندارند اما اگر هم وجود داشته باشد، سعی می‌کنیم در این راستا حرکت نکنیم». شرکت کارگزاری سوم نیز اظهار می‌کرد که «چون بازار سرمایه دارای کمیته فقهی است، تمام ارکان بازار به وسیله قانون و مقررات تحت نظارت هستند. کمیته فقهی از طریق قانون‌گذاری نظارت می‌کند و نظارت بر اجرای قانون توسط سازمان بورس انجام می‌شود. ساز و کارهای نظارتی به اندازه‌ای قوی هست که بیشتر موارد را رصد و کشف کند و موارد محدودی از حیطة نظارت فرار می‌کنند. البته خود ما هم نسبت به این مسئله پیگیر هستیم، اطلاعات را بررسی می‌کنیم و در مجامع شرکت می‌کنیم. لذا چون این شرکت‌ها تحت مقررات جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند، به چنین شرکت‌هایی اجازه فعالیت داده نمی‌شود».

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش مطالعه کاربست قواعد معاملات اسلامی در قراردادهای بازار سرمایه ایران توسط کنشگران بازار سهام بود که در راستای این هدف و براساس نظریه‌های قواعد اسلامی، یعنی قواعد لاضرر، اکل مال به باطل، غرر و ربا، فروض اساسی اسلامی در معاملات کنشگران بازار سرمایه از طریق پیمایش (روش آزمون مکرر) و در ادامه از طریق مصاحبه‌های مکمل نیمه ساختار یافته مورد آزمون قرار گرفت. نتایج به دست آمده از روش آزمون مکرر نشان

می‌دهد که بین میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه‌گذاران و آگاهی از این چهار قاعده هیچ رابطه معناداری وجود ندارد. نتایج به دست آمده از روش آزمون مکرر نشان می‌دهد که:

۱. بین دو متغیر میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه‌گذاران و دانش فقهی رابطه معناداری وجود ندارد.

۲. بین دو متغیر دین‌داری و دانش فقهی رابطه مستقیم و ضعیفی وجود دارد. بدین معنا که هرچه افراد دین‌دارتر شوند بر میزان دانش فقهی آنان افزوده می‌شود.

۳. بین دو متغیر میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه‌گذاران و میزان دین‌داری رابطه مستقیم و ضعیفی وجود دارد، بدین معنا که هرچه افراد دین‌دارتر شوند بر میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه‌گذاران آنان افزوده می‌شود.

۴. بین دو متغیر دین‌داری و میزان آگاهی از قاعده اکل مال به باطل رابطه مستقیم و ضعیفی وجود دارد، بدین معنا که هرچه بر میزان دین‌داری افزوده شود میزان آگاهی از قاعده اکل مال به باطل نیز افزوده می‌شود و بین متغیر دین‌داری و میزان آگاهی از سه قاعده دیگر رابطه معناداری وجود ندارد.

۵. بین دو متغیر میزان دخالت ضوابط چهارگانه فقهی در معاملات بازار سرمایه‌گذاران و آگاهی از قواعد لاضرر، اکل مال به باطل، غرر و ربا هیچ رابطه معناداری وجود ندارد.

این نتایج با نتایج به دست آمده از مصاحبه‌های مکمل نیمه ساختار یافته نیز همسویی داشت. نتیجه به دست آمده از مصاحبه‌ها نشان می‌دهد مادامی که بر معاملات سهام از نظر رعایت قواعد اسلامی، از طرف فقها و مسئولین تنظیم مقررات بازار نظارت می‌گردد، کنشگران احساس می‌کنند که هیچ شبهه‌ای در معاملات وجود ندارد و ساختار معاملات را اسلامی و شرعی مفروض می‌کنند، در نهایت، اینچنین تصور می‌شود که معامله‌گران بازار سرمایه نقش منفعلانه‌ای نسبت به رعایت و دخالت قواعد اسلامی در معاملاتشان در پیش گرفته‌اند که به نظر می‌رسد یکی از عمده دلایل آن وجود کمیته فقهی مجرب و ساخت و ساز نظارتی حاکم بر بازار باشد که معامله‌گران به واسطه وجود آنها، خود از توجه و حساسیت مستقیم به اسلامی و شرعی بودن ساختار معاملات شانه خالی کرده‌اند و به گمان می‌رسد که عدم توجه و تمرکز معامله‌گران بر چهار قاعده مورد نظر ناشی از این امر باشد. حال با توجه به نقش بسیار مهم و حیاتی بازار سرمایه و سپس بازار اوراق بهادار به‌عنوان یکی از ارکان آن در چرخه و زنجیره

اقتصاد هر کشور، لزوم آشنایی معامله‌گران آن با ضوابط عمومی چهارگانه حاکم بر قراردادهای بازارهای اسلامی و لزوم رعایت این ضوابط از سوی آنها در معاملاتشان به عنوان شرطی اساسی در موفقیت و کارآمدی این نهاد به شدت احساس می‌شود و از سویی دیگر توجه کنشگران حقیقی و حقوقی به این قواعد و رعایت این قواعد از سوی آنها نیز جدا از نظارت کمیته فقهی بر بازار، موضوعی بسیار مهم است و نشان‌دهنده نقش تعیین‌کننده عاملیت در ساختار نهایی معاملات می‌باشد. پس با توجه به نتایج به دست آمده، مطالب گفته شده و مشاهده نقش منفعلانه کنشگران بازار در کاربست قواعد اسلامی از طرفی و لزوم ایفای نقش فعالانه آنها در این زمینه از طرفی دیگر، استلزام برقراری ساز و کاری منظم و اساسی برای تشویق و ایجاد انگیزه در معامله‌گران جهت ایفای نقشی فعال و مستقیم در راستای میزان رعایت قواعد اسلامی در چهارچوب معاملات بورس اوراق بهادار و تعامل بیشتر کنشگران با نهاد قانون‌گذاری (کمیته فقهی) و نهاد نظارتی (سازمان بورس) به شدت احساس و توصیه می‌شود. باشد که این نهاد مالی بتواند نقش خود را به عنوان یکی از بازارهای مالی بر اساس مبانی ارزشی و حقوقی اسلام به‌خوبی ایفا کند و در حرکت‌های مترقی اقتصاد اسلامی وام خود را ادا کرده باشد.

منابع

- آذر، عادل، الوانی، سید مهدی. دانایی فرد، حسن. (۱۳۹۰). روش شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار. چاپ چهارم.
- آذر، عادل؛ الوانی، سید مهدی و دانایی فرد، حسن (۱۳۹۱)، روش‌شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع، تهران: انتشارات صفار.
- اصفهانی، راغب (۱۳۸۷)، مفردات راغب، حسین خدایپرست. قم: دفتر نشر نوید اسلام.
- اسماعیلی، اسماعیل (۱۳۷۳)، اکل مال به باطل در بینش فقهی شیخ انصاری، مجله فقه، ش ۱.
- انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۲۰)، مکاسب، مجمع الفکر الاسلامی.
- بجنوردی، سید محمد حسن (۱۳۷۷)، القواعد الفقهیه، قم: نشر الهادی.
- بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم (۱۳۸۱). ربا، قم: بوستان کتاب.
- دراز، محمد عبدالله (۱۴۰۷)، الربا فی نظر القانون الاسلامی، بیروت: العصر الحدیث.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴)، صحاح اللغه، احمد عبدالغفور العطار، بیروت: مکتبه الاعلام الاسلامی.

- حسن‌زاده، علی؛ احمدیان، اعظم (۱۳۹۱)، تأثیر ابزارهای مالی اسلامی در رشد سرمایه‌گذاری، مطالعات اقتصاد اسلامی، دوره ۵، ش ۹.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۷)، ربا و بهره در اقتصاد سیاسی اسلام، در جامعه‌شناسی تاریخی ایران، ترکمه علیرضا طیب، تهران: نشر مرکز.
- سنا، پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه ایران.
- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن (۱۴۱۰)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۸)، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۴)، قاموس اللغه.
- عاملی، شیخ حر (۱۴۰۹)، وسایل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البتیت(ع).
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳)، بحارالانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محرابی، لیلا (۱۳۸۹)، موقعیت بانکداری و خدمات مالی اسلامی در کشور مالزی، تازه‌های اقتصاد، ش ۱۲۸.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۱)، قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، القواعد الفقهیه، قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹)، البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵)، الرسائل، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۶)، تحریر الوسیله، قم: جامع مدرسین حوزه علمیه.
- موسوی، سید مرتضی (۱۳۷۶)، قاعده لاضرر و لاضرار، تقریر اب‌حاث الشیخ ضیاء الدین عراقی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۷)، ابزارهای مالی اسلامی (صکوک)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مومنی، منصور (۱۳۸۶)، تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS. تهران: انتشارات کتاب نو.
- نراقی، احمد، (۱۳۷۵)، عوائدالایام، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
- نوری، حاج میرزا حسین (محدث) (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البتیت لاحیاء التراث.
- Syed Ahmad (1978), The Concept and the Law of Riba in Modern Economic Environment.